

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

## بررسی تطبیقی الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع) با الگوی های رایج حکمرانی خوب: یک مطالعه مفهوم سازی داده بنیاد

عظیمه کاظمی، محمد منتظری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

### چکیده:

حکمرانی خوب از جمله مباحث تازه ایست که در دو دهه اخیر توجه محافل علمی و بین المللی جهان را به خود معطوف نموده است. اما با توجه به پیچیدگی مبحث حکمرانی این ضرورت وجود دارد که با نگاهی کلان به این مقوله پرداخته و به جای ارائه فهرست های گوناگون از ویژگی های حکمرانی خوب به طراحی الگوهای مبادرت گردد که جنبه های گوناگون این پدیده چند بعدی را تبیین نماید. در این زمینه تحقیقات گسترده ای انجام شده است اما آنچه بیان می گردد این است که متناسب با شرایط وضعی کشورها (مانند عوامل سیاسی، فرهنگی و مذهبی) الگوی حکمرانی خوب توسعه می یابد. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از استراتژی داده بنیاد به بررسی شاخص های حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع) در قالب خطبه ها و نامه های ارائه شده در نهج البلاغه به عنوان ماخذی دینی و اسلامی پرداخته و سپس با ارائه الگویی جدید در این زمینه، آن را با الگوهای رایج حکمرانی خوب مقایسه می کند. بدین ترتیب متن نهج البلاغه در سه مرحله کد گذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که رفتار فاضله به عنوان پدیده محوری و در تعامل با عوامل دیگر به وجود آورنده الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت امیر (ع) (پیامد) می گردد.

**واژگان کلیدی:** حکمرانی، حکمرانی خوب، تئوری مفهوم سازی داده بنیاد.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق عمومی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (تویسنده مسئول)

## مقدمه

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی خوب است. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲: ۱۰۳). واژه جدیدی که در رابطه با واژه قدیمی دولت معنا و مفهوم روشنی ندارد (قلی پور، ۱۳۸۷: ۸۱).

اصطلاح حکمرانی (Governance) از لغت یونانی Kybernetes و Kybernan و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگه داشتن است (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۷۰). در حالی که مفهوم دولت دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه سیاستگذاری که برجسته تر از اجرای سیاست ها است، دارد. لغت و مفهوم حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن، هم در سیاستگذاری و هم در اجرا دارد (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۳۷). مکارنی و همکاران (۱۹۹۵) حکمرانی را چنین تعریف کرده اند: رابطه بین جامعه مدنی و دولت، حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان (همان، ۱۳۸). گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی (۱۹۹۵) حکمرانی را الگویی مناسب برای اصلاحات ساختاری به منظور توسعه کشورهای کمک گیرنده، می داند. پس از اجرای سیاست های تعدیل ساختاری مورد نظر و تشویق کشورهای در حال توسعه به خصوصی سازی، مقررات زدایی و سایر اصلاحاتی که عمدتاً رویکرد اقتصادی داشته اند و با مشخص شدن نتایج این سیاست ها در کشورهای مذکور و ناکامی در تحقق اهداف مورد نظر، رویکردهای دیگری مورد توجه قرار گرفته که استقرار « حکمرانی خوب »<sup>۱</sup> مهمترین آن محسوب می شود (قلی پور، ۱۳۸۷: ۸۱). واژه حکمرانی خوب ابتدا در بعد اقتصادی در دستور کار مجامع بین المللی قرار گرفت و به عنوان پیش شرط کمک های توسعه از جانب مؤسسات بین المللی مالی به کشورهای در حال توسعه و فقیر مطرح گردید. بعدها علاوه بر بعد

اقتصادی، بعد سیاسی نیز به آن افزوده شد. اکنون رویکردها و نگاه تازه مجامع جهانی و سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد<sup>۲</sup>، رویکردی انسانی و نرم افزاری است (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۸).

این سازمان که برنامه توسعه بین المللی را دنبال می کند و در زمینه حکمرانی خوب فعالیت های گسترده ای را در کشورهای مختلف جهان انجام می دهد، حکمرانی خوب را شامل مکانیزم ها، فرایندها و نهادهایی می داند که به واسطه آن شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را محقق و تعهدات خود را برآورده می سازند (UNDP, 2002: 45). هدف برنامه توسعه ملل متحد از تعریف و تبیین ویژگی های حکمرانی این است که مردم در جامعه ای زندگی کنند که حکومت خوب داشته باشد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۹).

همچنین بانک جهانی سه جنبه متمایز از حکمرانی خوب را ارائه می دهد: نوعی نظام سیاسی؛ فرایندی که در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور در جهت توسعه اعمال می شود؛ ظرفیت دولت ها برای طراحی، تدوین و اجرا خط مشی ها) (دیجاین، ۲۰۰۹: ۵۱).

در کل می توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. این تمرین در برگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه های اجتماعی از طریق آن ها، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت ها داشته باشند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

محققان حکمرانی خوب را با ابعاد (سیاسی، اقتصادی و انسانی) و رویکردهای توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی تعریف نموده اند. در رویکرد توسعه اقتصادی، تاکید زیادی بر عملکرد اقتصادی کشورها می شود. اما در توسعه سیاسی ویژگی هایی مانند مشروعیت دولتی، پاسخگویی و... بیان می گردد و در رویکرد

توسعه اجتماعی عدالت و برابری، هدایتگری منابع انسانی و... مورد تاکید می باشد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۳). که در ادامه برخی از الگوهای ارائه شده در راستای این رویکردها، که مبنای بررسی تطبیقی پژوهش حاضر قرار گرفته اند، توضیح داده می شوند:

بانک جهانی در سال ۲۰۰۲، با رویکرد توسعه اقتصادی، پنج عامل را به عنوان ویژگی های الگوی « حکمرانی خوب » پیشنهاد داده است که عبارتند از:

- ۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی
- ۲- بی ثباتی سیاسی و خشونت
- ۳- اثربخشی دولت
- ۴- بار مالی مقررات یا مقررات زائد
- ۵- حاکمیت قانون

در این الگو هر اندازه ویژگی های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثر بخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات زائد، بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی خوب در آن جامعه مناسب تر خواهد بود (میدری، ۱۳۸۷: ۲۵۸).

اخیرا این نهاد به کمک دپارتمان توسعه بین المللی در انگلستان، شروع به بازنگری شاخص های موجود در الگوی حکمرانی خوب کرده است. این پروژه بر شاخص های بالقوه حکمرانی براساس معیارهایی همچون کیفیت و پوشش داده ها، شفافیت جمع آوری اطلاعات، سطح پذیرش دولت ها و ارتباط شاخص ها با پیامدهای حاصل از توسعه تاکید دارد (الوانی، ۱۳۸۶: ۶).

بووایرد و لافلر (۲۰۰۳) دو زمینه ی کلیدی برای حکمرانی خوب را این گونه بیان داشته اند:

- ۱- بهبود در پیامدهای خط مشی عمومی: تاکید این محققان بر ارزیابی موفقیت اقدامات دولتی براساس تغییرات کیفیت زندگی افرادی است که تحت تاثیر خط مشی ها قرار می گیرند، به جای کیفیت خود فعالیت ها
  - ۲- مشارکت تمام ذی نفعان به گونه ای که خط مشی های عمومی به طور مناسب تری طراحی و اجرا شوند که شاخص های آن عبارتند از:
    - مشارکت شهروندان
    - پاسخگویی
    - تساوی حقوق
    - توانایی برای رقابت در محیط جهانی
    - توانایی برای کار مشترک و اثر بخش
    - پایداری
    - مساوات و بردباری (از نظر جنسیت، قومیت، سن، مذهب و ...)
    - احترام به حاکمیت قانون
    - رفتار اخلاقی و صادقانه
    - شفافیت (Bovaird and Loffler, 2003: 323)
- ابعاد سیاسی ارائه شده در رویکرد سیاسی حکمرانی خوب شامل ویژگی های مقابل است: مشروعیت دولتی، پاسخگویی دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون، شایستگی دولتی (proter, 1999: 28).
- بدین ترتیب صاحب نظران و نهادهای ذی ربط، ویژگی ها و شاخص های متعددی از حکمرانی خوب را در قالب مدل مطرح کرده اند. اما هود<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵) اظهار می دارد، تنها یک مدل منحصر به فرد حکمرانی خوب وجود ندارد، بلکه دامنه ای از الگوهای حکمرانی خوب را می توان تصور کرد که متناسب با شرایط وضعی کشورها (مانند عوامل سیاسی، فرهنگی و مذهبی) توسعه می یابند (رهنورد و عباسپور، ۱۳۸۶: ۳۵).

با توجه به بیان هود و ویژگی های فرهنگی، مذهبی و شکل خاص نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر پذیری آن از مبانی مذهبی و دینی در این کشور، به احتمال زیاد، شاخص های خاصی متأثر از این موارد، برای حکمرانی خوب وجود دارد که باید تدوین گردد. یکی از منابع غنی که می توان برای جستجوی شاخص های حکمرانی خوب، با توجه به ویژگی های دینی - مذهبی مورد استفاده قرار داد، سیره نظری و عملی حضرت علی (ع) به عنوان بهترین مصداق، اگر چه مدت زمانی کوتاه، حکمران جامعه اسلامی بودند، می باشد. از جمله منابعی که این سیره نظری را در قالب خطبه ها، نامه ها و حکمت ها ارائه داده و به مسائل گوناگون اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی پرداخته، نهج البلاغه می باشد (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۲).

### سوالات پژوهش:

در این پژوهش تلاش شده است تا سوال های زیر مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ مناسبی به آنها داده شود:

- ۱- شاخص های حکمرانی خوب در نهج البلاغه کدامند؟
- ۲- آیا می توان این شاخص ها را در قالب یک مدل منسجم تدوین کرد؟
- ۳- در صورت امکان، وجوه اشتراک و افتراق این مدل با مدل های رایج حکمرانی خوب کدامند؟

### روش شناسی پژوهش:

پاسخ به سوالات پژوهش نیازمند نوعی روش شناسی است که بتواند به بررسی و تحلیل متن کتاب نهج البلاغه که نوعاً داده هایی کیفی هستند بپردازد و علاوه بر آن امکان ایجاد یک الگوی جدید که حاصل استخراج و مفهوم سازی عوامل مشترک بین آنهاست را بررسی و فراهم سازد.

از این رو تحقیق حاضر از تئوری مفهوم سازی داده بنیاد که یکی از استراتژی های محوری در پژوهش های کیفی است بهره می گیرد. استراتژی تئوری مفهوم سازی داده

بنیاد نوعی روش شناسی کیفی است که از رویه های نظام مندی برای ایجاد تئوری داده بنیاد در مورد یک پدیده، از طریق استقرایی استفاده می کند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۲). به عبارت دیگر هدف نهایی این استراتژی، ارائه تبیین های جامع تئوریک درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده حاصل می شود (دانایی فرد و مومنی، ۱۳۸۷). در واقع این استراتژی در پی ایجاد تئوری از طریق تحلیل داده های جمع آوری شده است، نه از طریق بررسی ادبیات پژوهش و سپس آزمون تئوری تدوین شده (دانایی فرد، ۱۳۸۴).

### نمونه آماری:

اگر چه قاعده محض یا راهنمایی خاصی برای حجم نمونه در استراتژی مفهوم سازی داده بنیاد وجود ندارد، اما نمونه برداری کیفی به گونه کلی شامل واحدهای کوچک در مطالعه عمقی است (هومن، ۱۳۸۵: ۹۲).

در این پژوهش کتاب نهج البلاغه با توجه به این که به عنوان برترین کتاب نگاشته شده به وسیله کامل ترین انسان تربیت یافته در اسلام مباحث ارزشمندی را پیش روی انسان می گذارد (دانایی فرد و مومنی، ۱۳۸۷: ۴۳) انتخاب شد.

### تجزیه و تحلیل و کد گذاری داده ها:

در استراتژی مفهوم سازی داده بنیاد، تحلیل اطلاعات از طریق کد گذاری داده های کیفی مشتمل بر سه مرحله کد گذاری باز، محوری<sup>۵</sup> و انتخابی<sup>۶</sup> انجام می شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۵۸). کد گذاری در تئوری مفهوم سازی بنیادی، شکلی است از تحلیل محتوا که در پی یافتن و مفهوم سازی موضوعات قابل بحثی (issues) است که در میان انبوه داده های اطلاعاتی وجود دارند (دانایی فرد، ۱۳۸۴).

### الف) کد گذاری باز:

- 1- Strauss & Corbin
- 4- Open Coding
- 5- Axial Coding
- 6- Selective Coding

با توجه بدین نکته که در این تحقیق، متن کتاب نهج البلاغه مد نظر قرار گرفته است در اولین چرخه مطالعه، با بررسی خط به خط از متن، جملاتی که به طور مستقیم (یا غیر مستقیم) به حکمرانی خوب اشاره داشتند، انتخاب و با استخراج مفاهیم از آن‌ها، اولین چرخه کدگذاری باز آغاز شد. در زمان مطالعه متن، این سوال مطرح شد که شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع) کدامند؟ سپس با طرح این پرسش که این مفاهیم در چه مواردی با یکدیگر مشابه هستند، از طریق فرآیند مقایسه‌ای، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم، بررسی شده و مفاهیم شبیه یکدیگر در یک مقوله یا دسته بندی قرار داده شدند. این شیوه مقایسه مستمر مفاهیم با یکدیگر را « شیوه تطبیقی پیوسته » یا « روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم » می‌گویند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۶۲).

شکل‌گیری مقوله‌ها در کدگذاری باز راهنمای تمرکز بر سوالات شد و این حرکت چرخه‌ای به مرور منجر به پرسش در زمینه روابط میان مقوله‌های ایجاد شده گردید و کدگذاری به مرور با شکل‌گیری و غنی‌شدن مقوله‌ها وارد مرحله کدگذاری محوری شد.

### ب) کدگذاری محوری:

در کدگذاری محوری، با مجموعه‌ای سازمان یافته از مفاهیم و مقوله‌های اولیه مواجه هستیم که نتیجه بررسی دقیق و تفصیلی متون در مرحله کدگذاری باز است. در کدگذاری محوری تحت قالب مدل پارادایمی، محقق با لحاظ شرایطی یکی از مقوله‌ها را به عنوان «مقوله محوری» انتخاب کرده، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند قرار داده و ارتباط سایر مقوله‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر مقوله‌ها با مقوله محوری در پنج عنوان شرایط علی، راهبردها یا استراتژی‌های کنش، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها می‌تواند تحقق داشته باشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۷).

**مدل پارادایمی پژوهش: مدل حکمرانی از دیدگاه نهج البلاغه**



۱- مقوله محوری: رفتار فاضله

بر اساس این پژوهش و پس از کدگذاری باز و محوری داده ها و بررسی ویژگی های مورد نیاز برای مقوله محوری، « رفتار فاضله » که در برگیرنده سه مقوله مهم « خرد گرایی »، « اخلاق گرایی » و « عمل گرایی » می باشد، به عنوان مقوله محوری انتخاب شد.

۲- شرایط علی: صلاحیت فردی

بنا به تعریف، شرایط علی در مدل پارادایمی شرایط و عواملی هستند که باعث ایجاد و توسعه پدیده محوری می شوند. از میان مقوله های تدوین شده، مقوله های « صلح طلبی » و « پیشینه و شایستگی » به عنوان مقوله های تشکیل دهنده شرایط علی و تحت عنوان کلی « صلاحیت فردی » در نظر گرفته شدند.

۳- استراتژی های کنش: نیل به سرمایه اجتماعی

این استراتژی ها بیانگر رفتارها، فعالیت ها و تعاملات هدفداری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله گر و زمینه، اتخاذ می شوند. این مقوله ها که در این پژوهش تحت عنوان کلی « نیل به سرمایه اجتماعی » مشخص شده اند شامل « شفافیت »، « جلب رضایت عمومی »، « حاکمیت قانون »، « احترام متقابل حاکمیت و امت » و « حاکمیت مقتدر » می باشند.

۴- زمینه یا بستر حاکم: تعهد مداری

این شرایط که بر استراتژی های کنش موثرند شامل مقوله هایی هستند که در مقایسه با شرایط علی که متغیرهایی فعال ترند، از قدرت تاثیرگذاری کمتری برخوردار می باشند و در مدل طراحی شده تحت عنوان کلی « تعهد مداری » عبارتند از: مقوله های « مقابله با فساد »، « احساس مسئولیت »، « عدم سوء استفاده از قدرت »، « هدایت کارگزاران »، « نظارت بر کارکنان »، « مشورت پذیری » و « پرهیز از احتجاج »

۵- شرایط مداخله گر: تعامل مداری

این شرایط مجموعه ای از شرایط هستند که ضمن تاثیر بر استراتژی های کنش، مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می کنند. این شرایط شامل متغیرهای میانجی و واسطه ای می شوند که در این مدل تحت عنوان کلی تعامل مداری معرفی شده و دربرگیرنده مقوله های «انتقادپذیری»، «پاسخگویی» و «ارشاد عمومی» هستند.

#### ۶- پیامد: الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه

برخی از مقوله ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ استراتژی های کنش و متاثر از مقوله محوری، زمینه، شرایط علی و مداخله گر ایجاد شده و توسعه می یابند. پیامد این مدل، الگوی حکمرانی خوب می باشد که مقوله «عدالت فراگیر»، «برقراری امنیت»، «تحقق وحدت» و «برخورداری از پشتوانه مردمی» در این دسته بندی قرار گرفته است.

### ج) کدگذاری انتخابی: شرح تئوری حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه

هدف در تئوری پردازی داده بنیاد، تولید تئوری است نه توصیف صرف پدیده. بدین منظور، مفاهیم و مقوله ها باید به طور منظمی به یکدیگر مربوط شده و ارتباط نظام مند مقوله محوری با سایر مقوله ها در چارچوب یک روایت پژوهش ارائه گردد. این مهم در کدگذاری انتخابی به انجام می رسد. در واقع این مرحله تفاوت چندانی با کدگذاری محوری ندارد فقط در سطحی بالاتر و انتزاعی تر صورت می گیرد (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

پرسش پژوهش این بوده که شاخص های حکمرانی خوب در نهج البلاغه کدامند؟ آیا در قالب مدلی منسجم قابل تدوین می باشند و در صورت امکان، وجوه اشتراک و افتراق این مدل با مدل های رایج حکمرانی خوب کدام است؟ در واقع در این پژوهش به دنبال دستیابی به الگویی هستیم که شاخص های حکمرانی خوب را از دیدگاه

حضرت علی (ع) برشمرده و رابطه میان آن‌ها را تبیین نموده و در نهایت با الگوهای رایج تطبیق داده شود. بر اساس نتایج پژوهش، به مفهوم «رفتار فاضله» دست یافتیم که به عنوان اصلی‌ترین و موثرترین عامل در ایجاد الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع) مطرح گردید.

### بحث و نتیجه‌گیری:

برای مقایسه الگوهای رایج حکمرانی خوب محققان حکمرانی خوب را با ابعادسیاسی، اقتصادی و انسانی و اهداف توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی بررسی کرده‌اند (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۳). بانک جهانی در سال ۲۰۰۲ بیان می‌کند که هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات زائد و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی خوب در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسب‌تر خواهد بود (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۸). بعد سیاسی شامل ویژگی‌های مقابل است: مشروعیت دولتی، پاسخگویی دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون، شایستگی دولتی (Proter, 1999: 28). در سال ۲۰۰۳ با توجه به اهمیت بهبود اجتماعی ۵ شاخص اصلی و ۹ شاخص فرعی در این راستا بیان گردید که شامل مشروعیت و حق اظهار نظر (مشارکت و اجماع)، هدایتگری (دید بلند مدت به توسعه انسانی)، عملکرد (مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی)، پاسخگویی (پاسخگویی، شفافیت) و انصاف (برابری، حاکمیت قانون) می‌باشند. در این پژوهش نیز همین چارچوب جهت مقایسه الگوهای رایج حکمرانی خوب با الگوی حکمرانی از دیدگاه نهج البلاغه، مبنای عمل قرار خواهد گرفت. البته به دلیل تعدد شاخص‌ها و ویژگی‌ها، از هر رویکرد به مهم‌ترین آن‌ها بسنده می‌کنیم.

از آنجا که الگوی حکمرانی از دیدگاه نهج البلاغه، رفتار فاضله را به عنوان مقوله محوری خود مطرح می‌کند، می‌توان بیان کرد که این الگو، جایگاهی متمایز فراهم

می آورد که شاید بتوان آن را مهمترین تفاوت این الگو با الگوهای رایج حکمرانی خوب دانست. می توان بیان کرد که الگوی ارائه شده در این پژوهش، جامع سایر الگوهای رایج در ادبیات حکمرانی خوب می باشد و در برگیرنده مجموع شاخص های آن ها می باشد. علاوه بر این در الگوی جدید به مواردی همچون پیشینه و شایستگی کارگزاران، برقراری امنیت، تحقق وحدت، هدایت کارگزاران، پرهیز از احتجاب، ارشاد عمومی و ... پرداخته که در الگوهای رایج، توجهی به آن ها نشده است.

#### منابع:

- استراس، آنسلم، و جولیت کوربین. (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی: رویه ها و شیوه ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اکبری، غضنفر. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۸۳: ۱۵۴-۱۳۵.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۶). تحلیل بر حکمرانی خوب در ایران، **مطالعات مدیریت**، شماره ۵۳: ۲۵-۱.
- جاسبی، جواد، نفری، ندا. (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز، **فصلنامه علوم مدیریت ایران**، شماره ۱۶: ۱۱۷-۸۵.
- دانایی فرد، حسن و مومنی، نونا. (۱۳۸۷). تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (علیه السلام): استراتژی تئوری داده بنیاد متنی، **مطالعات انقلاب اسلامی**، سال چهارم، شماره ۱۴: ۱۱۰-۷۵.

- دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی، **دانشور رفتار**، شماره ۱۱.
  - دباغ، سروش، ونفری، ندا. (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، **مدیریت دولتی**، دوره ۱، شماره ۳: ۱۸-۳.
  - دشتی، محمد. (۱۳۷۹). شناخت ویژگی های نهج البلاغه، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع)، قم، چاپ اول.
  - رهنورد، فرج اله، عباسپور، باقر. (۱۳۸۶). حاکمیت خوب و امکان پیاده سازی آن در ایران، **مطالعات مدیریت**، شماره ۵۵: ۳۸-۲۵.
  - شریف زاده، فتاح، قلی پور. (۱۳۸۲). رحمت ا...، حکمرانی خوب و نقش دولت، **فرهنگ مدیریت**، شماره ۴: ۱۱۰-۹۳.
  - صباغ کرمانی، مجید، باسزا، مهدی. (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود هزینه های دولت، **تحقیقات اقتصادی**، شماره ۸۶: ۱۳۰-۱۰۹.
  - قلی پور، رحمت ا... (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
  - میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۷). حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
  - نقیبی مفرد، حسام. (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.
  - هومن، حیدر علی. (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران، انتشارات سمت.
- Djontu, A.(2009). Influence of NGOs, World Bank and Members of Parliament on the Cameroon Forestry Law: A

Contribution to Good Forest Governance, Dissertation in Albert-Ludwigs-University Freiburg in Breisgau.

- United Nations Development Program.(2002).Human Development Report, New York: Oxford University Press.
- Bovaird,T.,Loffler,E.(2003).Evaluating the quality of public governance:indicators,models and methodologies,*Internional Review of Administrative Sciences*,69:45-69.
- Porter,J.(1999). Sustainability & Good Governance: What Can We Learn From the Urban Governance Initiative?. University of Technology Sydney-Center for Local Government.

## Abstract

## A Comparative Study between good governance model, as a point of view of Imam Ali (Greetings upon him), with common proper governance models: Using Grounded Theory

The good governance is of new subjects attracting the attention of international scientific gatherings in the past two recent decades. Researchers have explained about good governance, regarding political, economical and social dimensions, and economic, political and social stable developing aims. But due to complexity of the subject of governance, there is the necessity to formulate widespread attentions, and instead of presenting various lists and indexes of the characteristics of good governance, to plan the models expressing different aspects of this multi-dimensional phenomenon. Extensive research has been done in this regard, but what is expressed is that the pattern of good governance is developing in proportion to the state conditions of the countries (including political, cultural and religious factors). With a qualitative approach using grounded theory, this research attempts to investigate good governance hallmarks, according to Imam Ali's (Greetings upon him) views, in the forms as presented in the discourses and letters in authoritative Nahj Al Balagha, as an Islamic and religious reference, and then by presenting new model in this regard, compare it with common good governance models. Hence the text of Nahj-al Balaghe was analyzed in three different phases including open coding, axial coding and selective coding. The results showed that the scholarly behavior, as an axial phenomenon and in interaction with other factors, creates the Good governance model from the viewpoint of Imam Ali (Greetings upon him) (Consequences). The way of interactions between these factors is shown in the final model in the research. Finally, the presented model is compared with common models of good governance.

**Key words:** Governance, Good governance, Grounded theory.